

حداقل دستمزد یا یورش و تهاجم رژیم و سرمایه داران برای سوق دادن کارگران به سوی فقر و گرسنگی بیشتر

دستیابی به مزد و حقوق واقعی با گسترش مبارزه متشکل ممکن است

کمیسیون کارگری اسفند ۸۴

دهم اسفند ماه جاری " ابراهیم نظری جلالی " معاون وزیر کار دولت احمدی نژاد و مسئول تنظیم روابط کار، وزارت کار و امور اجتماعی میزان حداقل دستمزد کارگران مشمول قانون کار را برای سال ۱۳۸۵ مبلغ ۱۵۰ هزار تومان اعلام کرد. وی گفت « حداقل دستمزد کارگران مشمول قانون کار از ۴ هزار و ۸۶ تومان و ۴ ریال به پنج هزار تومان در روز افزایش یافت. که نسبت به حداقل دستمزد سال جاری ۲۲/۳ درصد افزایش داشته است. » . نظری جلالی گفت « با توجه به نرخ ۱۳ درصد تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی، حداقل دستمزد کارگران در سال ۸۵، به میزان حداقل ۹ درصد بیشتر از نرخ تورم افزایش یافته است. » .

وی همچنین اضافه کرد، با توجه به حق عائله مندی به ازای هر فرزند به میزان ۱۵ هزار تومان تا سقف ۳۰ هزار تومان حداکثر برای دو فرزند به علاوه بن غیر نقدی به میزان ۱۰ هزار تومان و کمک هزینه مسکن به میزان ۱۰ هزار تومان حداقل دریافتی کارگران ۲۰۰ هزار تومان خواهد بود.

معاون وزیر کار در مورد افزایش حداقل دستمزد در سایر سطوح گفت. « برای سایر سطوح مزدی در سال ۸۵، معادل ۱۰ درصد به اضافه ماهانه ۱۵ هزار تومان پرداخت اضافه در نظر گرفته شده است. »

در مورد کارگران قراردادی، نظری جلالی اعلام کرد. « با موافقت گروه های کارفرمایی و " کارگری " (بخوانید عوامل وزارت کار و جوامع اسلامی کار) حداقل دریافتی کارگران قراردادی ۲۳۰ هزار تومان تعیین شد. »

"محمد عطاردیان" رئیس هیات مدیره کانون عالی انجمن های صنفی کارفرمایی ایران در باره حداقل دستمزد سال ۱۳۸۵ گفت « مصوبه شورای عالی کار با دیدگاه های نمایندگان کارفرمایی برابر است ». از این رو سرمایه داران ایران از حداقل دستمزد تعیین شده اعلام رضایت می کنند.

تعیین حداقل دستمزد از سوی وزیر کار دولت احمدی نژاد با توجه به شعارهای انتخاباتی وی و اوضاع و شرایط سیاسی و اقتصادی و مبارزه کارگران از چند جهت قابل توجه است.

بر اساس ماده ۴۱ قانون کار جمهوری اسلامی، شورای عالی کار همه ساله موظف است، میزان حداقل دستمزد کارگران را برای نقاط مختلف کشور و یا صنایع مختلف با توجه به دو معیار تعیین نماید. یکم: نرخ تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی. دوم: بدون توجه به مشخصات جسمی و روحی کارگران و ویژگی های کار محول شده، حداقل دستمزد باید به اندازه ای باشد که زندگی یک خانواده را تامین کند. تعداد متوسط خانوار از سوی مراجع رسمی اعلام می شود.

اما از همان اوایل انقلاب و در تعادل قوای نیروهای اجتماعی در آن دوران، تهاجم و تعرض به کارگران و سیاست های ضد کارگری با سرکوب و کشتار فعالین کارگری و یورش به تشکل های مستقل آنان و انحلال و تلاشی آن تشکل ها و همچنین سرکوب کشتار نیروهای چپ و دمکرات و ترقیخواه اعمال گردید. در طی سال های گذشته از سال های ۶۰ تا دوران رفسنجانی و سازندگی، خاتمی و اصلاحات و در نهایت روی کا آمدن « دولت امام زمان » تعرض مستقیم به مزد و حقوق کارگران و عدم پرداخت مزد واقعی یکی از عرصه های تهاجم به زندگی و سطح معیشت کارگران بوده است. این امر از یک سو با ترفندهای، جنگ، سازندگی، اعمال سیاست های نئو لیبرالی و تعدیل اقتصادی، بازسازی و نوسازی و استخدام کارگران به صورت قراردادی و پیمانکاری در کارهایی که دائمی هستند و صورت گرفت. از سوی دیگر تهاجم به مزد و حقوق کارگران در عرصه قانونی با هر چه بیشتر محدود کردن دامنه شمول، مسخ و بی اعتبار کردن قانون کار همین رژیم و در نتیجه حاکم کردن هرج و مرج و قانون جنگل در عرصه مناسبات کار دنبال شد. مدیر کل روابط کار وزارت کار در دولت خاتمی، سال گذشته اعلام کرده بود که ۹۲ درصد کارگاه های کشور به صنفی تعلق دارند که تحت کارگاه های زیر ده نفر تعریف می شوند و از شمول قانون کار خارج شده اند. در همین حال یادآوری این نکته ضروری است که، امروز در باره طرح خروج کارگاه های زیر ۳۵ نفر و یا زیر ۵۰ کارگر از شمول قانون کار در مجلس رژیم

بحث گفتگو انجام می گیرد. علاوه بر آن وزیر کار به صراحت اعلام کرد که " این قانون [کار] در ۹۵ درصد بنگاه ها نیاز به اجرا ندارد و مستثنی هستند. " از این رو بر اساس اعمال سیاست های خروج کارگران کارگاه های قالیبافی، کارگران شاغل تحت عنوان صنوف، کارگاه های کمتر از ۵ نفر کارگر و بعد کارگاه های زیر ۱۰ کارگر، از شمول قانون کار و همچنین تمديد آن برای ۵ سال دیگر، به انضمام مجموعه سیاست های ضد کارگری، مزد و حقوق کارگران چندین بار به زیر خط فقر سقوط و شکاف عمیقی نسبت به سبد هزینه پیدا کرد. بگونه ای که در سال گذشته اعلام شد که دستمزد کارگران به ۴۰ درصد میزان دستمزد آنان در سال ۵۸ کاهش پیدا کرده است. از همین رو در ماه های پایانی سال ۱۳۸۲ شورای عالی کار جمهوری اسلامی تصمیم گرفت تا حداقل دستمزد را " واقعی " کند. بر اساس مصوبات این شورا، توافق شد تا با توجه به خلاء یک میلیون ریالی میان دستمزد و سبد هزینه های یک خانواده پنج نفری و تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی، حداقل دستمزد طی چهار سال، هر سال با افزودن ۲۵ هزار تومان به مبلغ نرخ تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی ترمیم شود. اما این توافق در سال های ۸۳ و ۸۴ اجرا نگردید. محجوب در این خصوص گفت: " توافق سال گذشته شورای عالی کار مبنی بر تقسیط مبلغ یک صد هزار تومان فاصله خط فقر با حداقل دستمزد کارگران را که می بایست طی چهار سال بر تورم سالیانه افزوده و به حداقل حقوق کارگران اضافه شود برای حفظ نظام و جلوگیری از نابسامانی اقتصادی (به خوانید برای حمایت از سرمایه داران) پذیرفتیم. (ایلنا ۱۳۸۴/۰۱/۰۹). اما اجرای آن توافق در سال گذشته به ۶ سال افزایش پیدا کرد. خواجه نوری معاون وزیر کار وقت در همین باره در گفته بود: " در سال جاری به دلیل مصوبه مجلس شورای اسلامی در مورد تثبیت قیمت ها، هماهنگی بعمل آمد، که این تفاوت طی ۶ سال آینده پرداخت شود. (ایلنا ۱۳۸۴/۱۲/۲۶). و تا امروز هیچ گاه این تفاوت پرداخت نگردیده است. امروز در شرایطی که خط فقر توسط کمیسیون

اقتصادی مجلس رژیم ۳۰۰ هزار تومان و از سوی منابع غیر رسمی حداقل ۳۵۰ هزار تومان و یا بیشتر تعیین می گردد. میزان حداقل دستمزد ۱۵۰ هزار تومان اعلام که به عبارت دیگر معادل دو برابر زیر خط فقر است. که خود معنای دیگری جز سوق دادن کارگران به فقر و گرسنگی و راندن آنان در مهلکه نیستی نخواهد داشت.

وزیر کار و شرکایش فریبکارانه موضوع حداقل دستمزد را با مساله حداقل دریافتی کارگران مخدوش می کنند. تبصره ۳ ماده ۳۶ قانون کار به صراحت روشن می کند که: "مزایای رفاهی و انگیزه‌ای از قبیل کمک هزینه مسکن، خوار بار و کمک عائله مندی، پاداش افزایش تولید و سود سالانه جزو مزد ثابت و مزد مبنا محسوب نمی شوند". به عبارت دیگر سرمایه داران و خود دولت اولاً ملزم به پرداخت آن و یا همان میزان تعیین شده نیستند. ثانیاً در مورد کارگران خارج از شمول قانون کار مصوبات شورای عالی کار نفوذی ندارد و به خودی خود بی اعتبار است.

هم اکنون برخی منابع رسمی جمهوری اسلامی میزان تورم را در سال آینده حداقل ۳۰ درصد و منابع غیر رسمی آن را بالای ۳۳ تا ۴۰ درصد پیش بینی می کنند. یک مقایسه ساده میان میزان حداقل دستمزد اعلام شده با قیمت بسیاری از کالاهای مصرفی، گوشت و مواد غذایی، پوشاک و اجاره مسکن، خدمات و هزینه های داروئی و افزایش سرسام آور آنها بیانگر صعود روزافزون قیمت ها و رشد افسار گسیخته نرخ تورم و فشار دم افزون و دائمی آن بر کرده مزد و حقوق بگیران است. سیاست های ضد کارگری جمهوری اسلامی از بدو استقرار تا به امروز نتایج وحشتناک و فلاکت باری را در زندگی مزد و حقوق بگیران رقم زده و فاصله میان درآمدها و هزینه های زندگی و کاهش مداوم دستمزد واقعی کارگران، زندگی آنان به شرایط مشقت بار و فقرانه‌ای رانده است. بسیاری از اقلام ضروری از سفره غذایی آنان حذف گردیده است. حتی اضافه کاری های مفرط، دو و چند شغله بودن کارگران قادر به پاسخگویی به تامین حداقل معاش و نیازهای ضروری زندگی آنان نیست و به گونه‌ای دم افزون و گسترده آنان را در معرض گرسنگی و فقر دائمی قرار داده و به سوی هلاکت می راند. بر اساس بند دوم ماده ۴۱ قانون کار حداقل دستمزد بدون توجه به مشخصات جسمی و روحی کارگران و ویژگی های کار محول شده، باید به اندازه‌ای باشد که زندگی یک خانواده را تامین کند. و این حداقل برای کارگر دائمی و یا قراردادی فرقی نمی کند. علاوه بر این بر اساس مقاله نامه‌های سازمان جهانی کار باید به کارگران بابت انجام کار مساوی دستمزدهای برابر پرداخت

شود، مصوبه دستمزد شورای عالی کار با نقض این اصول عملاً به تبعیض میان کارگران دامن می زند.

ویژگی دیگری که شورای عالی کار دولت احمدی نژاد در تعیین حداقل دستمزد برای سال ۸۵ به کار گرفته سیاست شلاق و شیرینی در تعیین حداقل دستمزد برای کارگران قراردادی است. سیاست های ضد کارگری رژیم بر اساس طرح مجلس هفتم می کوشد که نه تنها کارگران قراردادی بلکه کلیه کارگران را از شمول قانون کار خارج کند. سیاست ناظر بر این طرح «تا پایان برنامه چهارم.. اشتغال موقت نیروی کار جدید در کلیه کارگاه ها و مشاغل پیش بینی شده در قانون کار بر اساس توافق کتبی شاغلین و کارفرمایان بوده و از شمول قانون کار معاف هستند». معطوف به لغو تعهدات سرمایه داران و تبدیل قانون کار به قانونی توصیه‌ای و نه اجرائی و همچنین حذف اشتغال دائم و بکارگیری کارگران به شکل اشتغال موقت و قراردادی است، کاملاً روشن می شود. این سیاست از زبان "محمد عطاردیان"

رئیس هیات مدیره کانون عالی انجمنهای صنفی کارفرمایی ایران با روشنی بیشتری بیان می گردد. او بر آن است که «۳۰ هزار تومان بیشتر می دهیم، کارگر دائمی استخدام نمی کنیم». وی با بیان این که پرداخت ماهیانه ۳۰ هزار تومان به عنوان حاشیه امنیت به کارگرانی که تحت عنوان قرارداد موقت کار می کنند، موجب «تشویق کارگران ثابت به عقد قرارداد موقت برای دریافت پول بیشتر می شود». (۱۳۸۴/۱۲/۱۳). برنامه سرمایه داران و دولت را در حاکم کردن هرج و مرج و قانون جنگل در عرصه مناسبات کار و بر ضد مزدبگیران در زورق تطمیع و تحمیق کادو می کند.

البته برای این نماینده سرمایه داران مفهوم امنیت عبارت از، امنیت برای سرمایه داران و دولت در مقام بزرگترین سرمایه دار کشور است. این امنیت وقتی به دست می آید که پیشاپیش برگ تسویه حساب و برگ سفید امضای خاتمه قرارداد را از کارگر اخذ کنند، تا هر لحظه که به خواهند بدون بیمه های اجتماعی، درمان و بازنشستگی او را از کار برکنار و در خوشبینانه ترین وضعیت به مدت چند ماه، مبلغی بمراتب کمتر از حداقل دستمزد و در حد بخور و نمیر، به عنوان بیمه بیکاری به وی پرداخت و بعد هم بدون هیچ تامین و امنیت و البته بی کار و بدون هیچ حمایت قانونی و بدون هیچ تشکل مستقل به خیابان پرتاب کنند. یادآوری این نکته ضروری است که رای دیوان عدالت اداری در مورد کارگران قراردادی مبنی بر این که آنان با میل و اراده خود با کارفرما قرارداد مهلت دار منعقد می کنند و پس از انقضای قرارداد کار، بیکار تلقی نمی شوند. موضوع امنیت

برای کارگران چه دائم و چه قرارداد موقت را روشن و آشکار می کند.

در نتیجه سرمایه داران برای «گرفتار نشدن» (همان منبع) تطمیع را چاره سازتر یافته اند. به عبارت دیگر کارگران باید خود به این رضایت به دهند و داوطلبانه از کار دائم چشم به پوشند. یا شلاق اخراج و ماه ها حقوق نگرفتن و بیکاری جهت سود بیشتر سرمایه داران در انتظار آنان است. اما سرمایه داران و دولت حامی آنها و وزارت کار «دولت امام زمان» در تهاجم و تعرض به کارگران به همین حد بسنده نکرده اند. در بهمن ماه جاری پیش نویس کلیات قانون ارتقای بهره‌وری کارگاه‌های کوچک تدوین و برای اظهار نظر به کانون عالی انجمن صنفی کارفرمایی فرستاده شد. تا کارفرمایان نظرات خود را کتبا به وزارت کار اعلام کنند. اگر چه درباره این پیش نویس تاکنون اطلاع رسانی عمومی صورت نگرفته است. ولی اشاره به برخی نکات این پیش نویس بیانگر گستردگی یورش و تهاجم برای سرکوب، مهار و منحرف کردن مبارزات طبقه کارگر ایران و تلاشی تشکل‌های مستقل آنان است. ماده هفتم این قانون بر قرارداد «شفاهی» ناظر و به آن قانونیت می بخشد. ماده هشتم این قانون قراردادهای منعقد در کارگاه های متوسط و کوچک اصولاً با مدت محدود (موقت) است. بر اشتغال موقت تاکید دارد. ماده ۱۷ در این قانون ناظر بر حق یک جانبه کارفرمایان برای فسخ قرارداد کار با کارگر است. و نهایتاً ماده ۲۸ این قانون «از تاریخ تصویب این قانون، کلیه کارگاه های کوچک از پرداخت ۲۵ درصد معافیت سهم حق بیمه کارگری و کارفرمایان برخوردار خواهند بود.» مساله حقوق تامین اجتماعی، درمانی و بیمه بیکاری و بازنشستگی کارگران را لغو و حذف می کند. مساله منطقه‌ای شدن دستمزدها نیز یورش دیگری است که مستقیماً حداقل دستمزد کارگران را هدف گرفته است. از این رو با توجه به آن چه که بدان اشاره رفت، موضوع تعیین حداقل دستمزد و حاشیه امنیت کارگران نیاز به تحلیل و تفسیر ندارد. بیش از پیش روشن است که این یورش و تهاجم به کارگران و زحمتکشان با هدف سوق دادن آنان به فقر و فلاکت و گرسنگی بیشتر را دنبال می کند.

ویژگی دیگر در تعیین حداقل دستمزد برای سال ۸۵ موضوع چگونگی تشکیل و انتخاب نمایندگان شورای عالی کار است.

نقش و کارکردهای خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار به عنوان تشکل های سیاه ضد کارگری در سال‌های گذشته، تلاش برای به بیراهه کشاندن و هرز بردن مبارزات و اعتراضات کارگران، جلوگیری از

است، مبارزه برای افزایش دستمزد آن هم برای مبلغی ناچیز چه اهمیت، چه ضرورت و معنایی می‌تواند داشته باشد؟

با توجه به اینکه دامنه شمول افزایش دستمزد فقط کارگران مشمول قانون کار را شامل می‌شود و با تاکید بر اینکه اصولاً شعاع دامنه و دایره شمول قانون کار هر لحظه کوچک و کوچک تر می‌شود و با یادآوری این گفته جهرمی وزیر کار رژیم که ۹۵ درصد کارگاه‌ها از دایره شمول قانون کار «مستثنی» و از خود قانون فقط شبحی باقی مانده است، این مبارزه چه اثری در وضعیت طبقه کارگر دارد؟

در پاسخ به یقین باید گفت، گرچه امروز مضمون مبارزه کارگران مضمونی دفاعی، در خود و حتی از سر استیصال و برای جلوگیری از سقوط در مهلکه نیستی است، اما اولاً و اصولاً این مبارزه نه تنها منفی نیست، بلکه ضروری و بسیار پر اهمیت است. مبارزه کارگران برای افزایش دستمزد بر اساس یک واقعیت عینی، یک کشاکش دائمی و روزمره میان طبقه کارگر و سرمایه‌داران رخ می‌دهد. در نظام سرمایه‌داری همه چیز، از جمله نیروی کار به کالا تبدیل می‌گردد. و از آن جا که قانون اساسی این نظام سود و رقابت برای سود بیشتر است. از یک سو کارگران برای ادامه زندگی چیزی جز فروش نیروی کار خود ندارند. از سوی دیگر سرمایه‌داران برای سود بیشتر به گونه‌ای دائمی سطح زندگی و معیشت و دستمزد آنان را مورد تهاجم قرار می‌دهند. در این مبارزه است که کارگران اساس مخالفت و ضدیت سرمایه‌داران و دولت حامی آنها را در بهبود وضعیت اقتصادی خود کاملاً عینی و ملموس می‌بینند و درک می‌کنند. این واقعیت است که کارگران را برای مبارزه‌ای جدی و حتی برای نابودی نظام مزدبگیری آموزش، آماده، سازماندهی و متشکل می‌کند. به یقین پیشروی در این میدان به عواملی چند بستگی دارد. مهمترین آن، تعادل قوای نیروهای طبقاتی در جامعه خواهد بود. مبارزه سازمان یافته و متحدانه کارگران یکی از مولفه‌های تغییر تعادل قوا به نفع آنان است. خواست افزایش دستمزد مانند خواست تشکل مستقل توانائی متحد کردن کارگران در سطح طبقه کارگر را دارد.

مبارزه برای افزایش دستمزد در شرایطی که حداقل دستمزد هیچگونه تناسبی با تورم و گرانی سرسام‌آور موجود ندارد و زیر خط فقر تعیین شده است، می‌تواند و باید به مبارزه‌ای سازمان یافته، آگاهانه و سراسری، به جنبشی عمومی در سطح مزد و حقوق‌بگیران تبدیل شود.

خود می‌دانیم حداقل دستمزد سال بعد را خودمان تعیین کنیم.

۲- حداقل دستمزد برای سال ۱۳۸۵ نباید کمتر از خط فقر باشد. شما به خوبی واقف هستید، یک خانواده پنج نفره برای یک زندگی انسانی به دستمزدی بیش از این نیاز دارد. ما خواهان حداقل دستمزدی هستیم که با تورم واقعی برابری داشته باشد.

۳- ما همچنین خواهان افزایش حقوق کارگران بازنشسته به صورتی که کرامت و شأن انسانی این کارگران حفظ شود، هستیم. کارگرانی که یک عمر کار می‌کنند، حق دارند در زمان بازنشستگی از یک زندگی انسانی برخوردار باشند.»

پس از انتشار این نامه کارگران ایران خودرو طی پیشنهادی اعلام داشتند «به علت نبودن امنیت و تشکلهای کارگری و نداشتن نمایندگان واقعی کارگران ما خواهان حضور کارگران و سندیکای شرکت واحد و دیگر تشکلهای واقعی کارگران از جمله کمیته پیگیری و کمیته هماهنگی و نمایندگان کارگران شاهو، کارگران نساجی کاشان، نمایندگان کارگران شرکت صدرا و سایر نمایندگان واقعی کارگران که حضور آنها مسئله امنیتی ندارد به عنوان کارگران ایران در کمیته تعیین دستمزدها هستیم.»

علاوه بر این هزاران کارگر جهت افزایش حداقل دستمزد به مبلغ ۴۵۰۰۰۰ تومان طوماری را امضاء کردند. یادآوری این نکته اهمیت دارد که در سال‌های اخیر شاید این اولین بار باشد که گروهی از کارگران در ایران عدد و رقم معینی را به عنوان حداقل دستمزد طرح می‌کنند. آنان خواهان مبارزه متشکل، متحدانه و سازمان یافته برای تحقق مطالبات خود هستند. این کارگران تاکید دارند که در عین مبارزه برای الغای کارمزدی جهت دفاع از سطح معیشت خویش و بهبود در زندگی خود این حد از افزایش حداقل دستمزد را خواستارند.

ضرورت مبارزه برای افزایش دستمزدها.

امروز در شرایطی که دولت و سرمایه‌داران بگونه‌ای همه جانبه و گسترده در سطوح مختلف به طبقه کارگر تعرض و تهاجم کرده‌اند و در این خصوص تعرض به حداقل معیشت و زندگی کارگران و تعیین حداقل دستمزد زیر خط فقر، لغو و فسخ قانون کار، خارج کردن بخش اعظم کارگران از شمول قانون کار، لغو استخدام دائم و جایگزین کردن آن با اشتغال موقت، بیکارسازی‌های گسترده، قرارداد های موقت و سفید امضاء، عدم پرداخت حقوق کارگران حداقل از ۶ ماه تا دو سال، پایمال کردن حقوق بیمه درمان و تامین اجتماعی، بیمه بیکاری، بازنشستگی و... بازتاب گوشه ای از این تهاجمات

بر پائی تشکل های مستقل کارگری و خود را تنها مدافع کارگران وانمود کردن با استفاده از رانت قدرت بوده است. این نهادها مستقیم و غیر مستقیم مجری سیاست‌های ضد کارگری نظام جمهوری اسلامی بوده‌اند. امروز این تشکل هادر میان کارگران رسوا و منزوی گشته‌اند. از این رو فرصت مناسب برای حذف و کنار گذاشتن و جایگزین کردن این تشکل‌ها که امروز از یک سو دیگر به کار سرکوب و تحمیق کارگران نمی‌آیند و از سوی دیگر اساساً به کارگزاران و رفسنجانی و جناح دیگر وابسته‌اند، و در انتخابات ریاست جمهوری نیز برای پیروزی رفسنجانی رقیب دولت فعلی کوشیده بودند، با تشکل های دست ساز مورد نظر وزارت کار فراهم آمد. منازعه و کشمکش که اکنون ماه‌ها میان خانه کارگرو شوراهای اسلامی کار با وزارت کار دولت احمدی نژاد جریان دارد. علاوه بر انشعاب در خانه کارگر منجر به این شد که وزارت کار انتخابات کانون عالی شوراهای اسلامی کار را به رسمیت نشناسد و آن را باطل اعلام کند. و بر این اساس "نمایندگان کارگران" در شورای عالی کار رژیم از سوی وزیرکار از میان تشکل‌های جوامع اسلامی کار و بسیج و باندهای وابسته به دولت احمدی نژاد و شرکای امنیتی- نظامی اش انتصاب شدند. تا وظایف خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار به تشکل های مورد نظر وزارت کار سپرده شود.

مبارزه تشکل های مستقل کارگری برای افزایش حداقل دستمزد.

پیش از تعیین حداقل دستمزد از سوی شورای عالی کار جمهوری اسلامی، سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه طی نامه‌ای خطاب به این شورا خواستار تعیین حداقل دستمزدها بر اساس تورم موجود در کشور و ضرورت تامین حداقل معیشت زحمتکشان کشور شد. در این نامه تاکید شده است:

«حداقل دستمزدها بسیار پایین‌تر از میزان مورد نیاز تامین حداقل یک زندگی انسانی است و کفاف ابتدایی ترین نیازهای زندگی یک خانواده کارگری را نمی‌دهد و حتی طی آمار ارائه شده رسمی دستمزدهای کنونی از میزان خط فقر دو سال قبل هم چند بار کمتر است. حداقل دستمزدها حتی کفاف پرداخت اجاره یک خانه دو اتاقه را نمی‌دهد و با توجه به رشد سرسام آور قیمت‌ها، هر روز و هر ماه قدرت خرید خانواده‌های کارگری افت شدیدی پیدا می‌کند و زندگی از این هم سخت‌تر می‌شود. از این رو این تشکل خواستار:

۱- میزان حداقل دستمزدها باید توسط خود کارگران و نمایندگان واقعی آنها تعیین شود. ما حق